

## تبیین و نقد ترفندهای عوام فریبی جریان‌های انحرافی مهدوی در تاریخ معاصر

عزالدین رضا نژاد<sup>۱</sup>  
مسلم کامیاب<sup>۲</sup>

### چکیده

«جریان‌های انحرافی مهدویت» از جمله پرسمان‌های فربه و اندیشه خیز در عرصه مطالعاتی مهدویت است. با وجود رویکرد فراگیر به مقوله انحرافات مهدویت، کاوش‌ها در زمینه ترفند عوام فریبی این جریان‌ها اندک است. شناخت این جریان‌ها و نحوه رویارویی با آن‌ها و نهادینه سازی رویکرد پیشگیرانه و مصونیت زایی، از جمله ضرورت‌های پرداختن به این مقوله است. علاوه بر آن، می‌توان از پیامدهای منفی اعتقادی مانند فرقه‌گرایی، هدر دادن ظرفیت‌های جامعه شیعی و تخریب اندیشه نجات‌گرایانه مهدویت، جلوگیری کرد.

تحلیل ترفندهای مدعیان با رویکرد عوام فریبی در میان جریان‌های انحرافی مهدویت در جذب مخاطب؛ مسئله اصلی این نوشتار است که با روش توصیفی - تحلیلی در محدوده تاریخ معاصر (حدود ۱۷۸۹م به بعد) به فرجام رسیده است. بر اساس مستندات موجود، این ترفند در قالب سوء استفاده از مقدسات دینی، مانند دعا نویسی، عریضه، استخاره و استناد به امور غیر قابل اثبات مانند معجزه و خواب و همچنین نسب سازی، لقب سازی و ترویج عالم‌گریزی صورت پذیرفته است.

واژگان کلیدی: مهدویت، عوام فریبی، جریان‌های انحرافی، ایران معاصر، عریضه، استخاره، معجزه، رویا.

۱. Rezanejad39@yahoo.com

۱. استاد جامعه المصطفی العالمیه

۲. دانش‌پژوه سطح چهار مرکز تخصصی مهدویت (نویسنده مسئول)

moslemkamyab61@gmail.com

اندیشه مهدویت از بسترهای جذابی است که در اسلام - شیعه و اهل سنت - همواره مورد توجه فرصت طلبان بوده است؛ به گونه‌ای که در طول تاریخ به فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی متعددی منجر شده است (رک: اشعری ۱۳۸۲: ص ۸۲ و ۱۵۲؛ شهرستانی، ۲۰۰۳: ج ۱، ص ۱۶۴؛ اصفهانی، ۱۹۸۷: ج ۱، ص ۳۰۰؛ سیالکوتی، بی‌تا: ص ۴۱؛ المودودی، ۱۴۲۱: ص ۲۲ و خاوری، بی‌تا: ص ۲۱). از طرفی وجود مولفه‌های اساسی، مانند برپایی حاکمیت الاهی بر کل جهان، ریشه کن شدن ظلم و برقراری عدالت و شوق دیدار حضرت، همواره آرزوی هر شیعه معتقد به امام زمان علیه السلام بوده و لذا تمایل به مهدویت و اندیشه نجات از نیازهای آنان به شمار رفته است.

جریان‌های انحرافی با درک این مطلب با هدف سوء استفاده از این آموزه، به منظور پیشبرد اهداف خود و جذب مخاطب از ترفندهایی استفاده کرده‌اند. «عوام فریبی» که بر تزویر متکی است، یکی از شاخصه‌های اصلی در جریان‌های انحرافی به حساب می‌آید. معرفی جلوه‌های حقیقی این رفتار، باعث شناخت هر چه بیش‌تر چهره واقعی این جریان‌ها می‌شود و با توجه به این که اساس کار فرقه‌ها ارتباط با مردم است و مردم در معرض تبلیغات جریان‌ها قرار دارند، ضروری است نمونه‌هایی از این عوام فریبی‌ها مورد بازشناسی قرار گیرند تا اعتقادات مردم دچار خدشه قرار نگیرد و نوعی مصونیت اعتقادی ایجاد گردد.

نوشتار پیش رو، ابعاد عوام فریبی جریان‌های انحرافی را در گستره تاریخ معاصر که از ابتدای قاجار است، واکاوی کرده و با در نظر گرفتن شاخصه‌هایی مانند سوء استفاده از آموزه‌های دینی مردم، استناد به امور غیر قابل اثبات به کشف و شناخت مصادیق عوام فریبی می‌پردازد.

### پیشینه شناسی

پژوهش‌های موجود در زمینه انحرافات مهدویت، به دو گونه متفاوت تقسیم می‌گردد: برخی از آنان به طور عمومی به مسئله انحرافات مهدویت اشاره دارند و مدعیان و انحرافات آنان را به مثابه پدیده‌ای تاریخی بررسی کرده‌اند. رسول جعفریان کتاب «مهدیان دروغین» را با این نگاه به نگارش درآورده است. کتاب‌های «قبیله حيله» کاری از جامعه مدرسین حوزه

علمیه قم و «کژراهه» به تلاش موسسه جام جم، دارای این شیوه هستند. این آثار کم‌تر به شگرد جریان‌ها و مدعیان اشاره دارند.

گونه دوم آثار اختصاصی به جریانی خاص است. برای نمونه در مورد ادعای علی محمد باب، عبدالرزاق الحسن کتاب «البابون فی التاریخ»؛ سید حسین مصطفوی «محاکمه و بررسی باب و بهاء» و مرتضی مدرس چهاردهی کتاب «شیخی‌گری و بابی‌گری» را نوشته‌اند. در زمینه مدعیان پس از انقلاب، به طور نمونه حسین حجامی کتاب «به سوی انحراف» را در مورد ادعاهای علی یعقوبی و محمد شهبازیان کتاب «ره افسانه» را در باره جریان احمد الحسن بصری به نگارش درآورده‌اند.

درباره حوزه مطالعاتی پژوهش پیش رو و ترفند عوام فریبی تنها به کتاب «قبیله تزویر»، اثر امیر محسن عرفان (که در جهت تبیین علل و زمینه‌های پیدایش مدعیان دروغین مهدویت به نگارش در آمده است) می‌توان اشاره کرد. وی در فصل دوم که به بحث از عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت اشاره دارد، به اختصار عوام فریبی را به عنوان سومین عامل از عوامل شتاب‌زا بر شمرده و مصادیق آن را زهد فروشی و ادعاهای واهی دانسته است (عرفان: ۱۳۹۲). بنابراین در موضوع بحث، تحقیقی مستقل که به بیان ترفندهای عوام فریبی اشاره داشته باشد، یافت نشد.

از آن‌جا که از برخی مدعیان در منابع مکتوب، اسمی نیامده است، نوشتار پیش رو به دو روش «منتشر شده مکتوب» و «منتشر نشده» جمع‌آوری شده است. در روش منتشر شده که همان کتابخانه‌ای است، مدعیان بابیت، بهائیت و برخی دیگر از جریان‌های انحرافی پس از انقلاب اسلامی ایران مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. در روش منتشر نشده با بهره‌گیری برخی پرونده‌ها و فیلم‌های آنان، ترفندهای آنان استخراج گردیده و مورد کاوش قرار گرفته است.

### باز تبیین مفاهیم پژوهش

جهت روشن شدن بحث، چند واژه به طور اختصار تبیین می‌شود:

الف) ترفند: در لغت به معنای دزدی، تزویر و مکر است (دهخدا: ص ۱۱۴۳)؛ و مراد از ترفند شناسی، شناساندن حیل‌ها و تزویرهای مدعیان است.

ب) عوام فریبی: در لغت به معنای گول زدن و فریفتن مردم است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۲۲، ص ۸۰۷). شخص به جای استدلال و اقامه برهان و دلیل عقلی برای اثبات یک عقیده، سعی

می‌کند از طریق تحریک احساسات و هیجان‌های جمعی و توسل به عواطف و جو حاکم، نوعی تصدیق جمعی را نسبت به نتیجه مطلوب خود به دست آورد (خندان، ۱۳۸۴: ص ۱۶۸-۱۷۰). در مواردی که در پژوهش ذکر شده، این معیارها مورد نظر قرار گرفته است.

ج) جریان: مصدری عربی از ریشه «ج-ر-ی» است (زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱۹، ص ۲۸۰). مفهوم اصل این ماده، حرکت منظم و دقیق در طول مکان و متضاد آن وقوف و سکون است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۲، ص ۷۷). در اصطلاح، «جریان عبارت است از تشکل، جمعیت و گروه‌های اجتماعی معینی که علاوه بر مبانی فکری، از نوعی رفتار ویژه اجتماعی برخوردار است».

منظور از «جریان‌های انحرافی مهدویت» جریان‌هایی هستند که نوع فعالیت آن‌ها در عرصه مهدویت با ارزش‌های پذیرفته شده، مهدویت، همسو نیست و بر حوزه اندیشه مهدویت و معتقدان به آن آثار نامطلوبی ایجاد می‌کند.<sup>۱</sup> این جریان‌ها ممکن است با ادعای مهدویت شکل بگیرند؛ مانند جریان مهدویت علی محمد شیرازی و احمد بن اسماعیل بصری و گاه ممکن است ادعاهای پیرامونی مسئله مهدویت باشد؛ مانند ارتباط، ملاقات، همسری امام زمان عجله الله تعالی فرجه، تعیین زمان ظهور و حتی تعیین شخصیت‌های عصر ظهور، مانند یمانی و خراسانی. اکنون به نمونه‌هایی از تفرندهای این جریان‌ها اشاره می‌شود:

#### ۱. سوء استفاده از آموزه‌های دینی مردم

استفاده از دین و ظواهر مذهبی در جوامع دینی که عامه مردم بدان معتقدند، یکی از تفرندهای مدعیان است؛ با این توضیح که مدعیان برای دستیابی به جایگاه و موقعیت در جوامعی که از پابندی به ارزش‌ها و آموزه‌های دینی برخوردار هستند، با استفاده ابزاری از آموزه‌های دینی اهداف فرقه‌ای خود را دنبال می‌کنند. این نوع تفرندها در جوامع دینی به مراتب از سایر تفرندها، خطرناک‌تر است. از این‌رو، ضمن اشاره به برخی موارد پرکاربرد به تبیین آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱. آشکار است که برخی از این جریان‌ها، مانند بهائیت به «فرقه» تبدیل شده‌اند؛ اما از آن‌جا که به تمامی موارد موجود در مقاله اطلاق فرقه نمی‌گردد، «جریان» تعبیر شده است.

## ۱-۱. ترفند استخاره

استفاده از آموزه دینی «استخاره» از مواردی است که مدعیان دروغین به منظور فریب مردم از آن استفاده کرده‌اند. در دوران معاصر در اهل سنت، غلام احمد قادیانی از این شگرد استفاده کرده است. وی در این باره می‌گوید:

من قوم خود را به حق دعوت کرده و گفتم استغفر الله ربکم و استخبروا و استخبروا؛ از خداوند طلب مغفرت کرده و استخاره کنید تا خبر دار شوید (قادیانی: بی‌تا: ص ۱۱).

نمونه دیگر، جریان احمد الحسن بصری مدعی یمانی است (احمد بن اسماعیل، ۱۳۹۴: ص ۳۱۴)؛ که به طور افراطی از آموزه استخاره به منظور اثبات ادعاهای خود استفاده کرده است. یکی از یاران وی در این زمینه می‌گوید: از دیگر دلایل اثبات حقانیت سید احمد الحسن، به عنوان وصی و فرستاده امام مهدی، شهادت خداوند به وسیله استخاره با قرآن است. مسلماً بسیاری از مردم در بررسی روایات تخصص ندارند و نمی‌توانند حقانیت این موضوع را درک کنند که استخاره به قرآن یکی از روش‌های امداد غیبی خداوند است (ادله جامع یمانی، بی‌تا: ص ۵۲).

این جریان در اثبات ادعای خود به چند روایت استناد کرده است (رک: موسوی، ۱۴۳۵: ص ۴۱۲-۴۱۹). بخشی از این روایات تنها به امر استخاره در امور جاری و روز مره اشاره دارد؛ اما مهم‌ترین آن که به مسئله انتخاب امام مربوط می‌شود، روایت شیخ طوسی است که علی بن معاذ از صفوان بن یحیی نقل کرده است:

بأی شیء قطعت علی<sup>۱</sup> علی قال صلیت و دعوت الله و استخرت علیه و قطعت علیه؛ به صفوان بن یحیی گفتم: به چه دلیلی به [امامت] علی [بن موسی] یقین پیدا کردی؟ گفت: اقامه نماز کردم و بعد از خداوند خواسته و استخاره کردم و [نتیجه این] که به امامت او [قطع و یقین یافتم] (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۶۱).

جریان مدعی یمانی، از این روایت به منظور اثبات حقانیت احمد الحسن بصری استفاده کرده است. بر پایه همین نوع استدلال، برخی از ساده اندیشان سطحی نگر با تمسک به استخاره جذب جریان یمانی شده‌اند. یکی از مریدان یمانی به نام «ع - ف» پس از ارتباط با مبلغان این جریان انحرافی می‌گوید:





اسماعیل در کتاب «جواب المنیر» در جواب به سوالی مبنی بر این که آیا با استخاره می‌توان شرعی بودن گوشت پی برد؛ عنوان می‌کند که جز اطمینان به ذبح شرعی آن توسط مسلمان هیچ چاره‌ای وجود ندارد و استفاده از استخاره جایز نیست (احمد بن اسماعیل، ۱۳۹۴: ص ۴۸۷).

بنابراین، همان‌طور که همه بدان معتقدند برای استفاده از گوشت مشکوک به ذبح شرعی، به عدم جواز استخاره حکم داده می‌شود؛ پس برچه مبنایی برای اثبات ادعاهای متعدد آنان، مانند ادعای یمانی، وصی امام، قائمیت، و مهدویت به جواز و وجوب حکم داده می‌شود؟! نمونه‌ای دیگر این که اگر استخاره طبق منش آنان پیش نرفت، دست به تاویل برده‌اند! به عنوان نمونه یکی از مبلغان این جریان به نام «الف-ک» زمانی که در مور استخاره در زمینه مناظره با یکی از استادان حوزه آیات عذاب مانند «وَلَنذِيقَهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»<sup>۱</sup> آمده است؛ بیان کرده است که آمدن این آیه نشان می‌دهد اگر شما از این جریان حمایت نکنید، به عذاب دردناک الهی مجازات می‌شوید! نمونه‌ای دیگر «م-غ» است که با آمدن آیه «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ»<sup>۲</sup> مدعی است با نقد کردن این جریان شما قرآن را پاره پاره کردید! (اداره اطلاعات قم، بی‌تا: ص ۶).

#### سوم: بررسی استناد به روایت صفوان بن یحیی

الف) شیخ طوسی این خبر را به عنوان شبهه واقفه و صرفاً به منظور ابطال و ردیه آنان ذکر کرده است و در پاسخ به این خبر ضعیف می‌گوید:

در این خبر فقط سرزنش کسی است که در امر اعتقادات تقلید کرده است. تازه اگر هم این عمل صحیح باشد، هیچ دلیل و حجتی برای دیگران نیست. علاوه بر این که این مطلب از کسی [=صفوان بن یحیی] ذکر شده است که به خاطر فضل و زهدش، مقام و منزلتی فوق این‌گونه نسبت‌ها دارد. بنابراین، چه طور برای او موجه است که در مسئله‌ای علمی به مخالف بگوید که به خاطر استخاره به امامت ایشان

۱. و البته ما کافران را عذاب نزدیک‌تر [و کم‌تر به بلاهای دنیا یا در برزخ] بچشانیم؛ غیر آن عذاب بزرگ‌تر و شدیدتر تا مگر [متنبّه و پشیمان شوند و به سوی خدا] باز گردند» (سجده: ۲۱).
۲. آنان که قرآن را [به میل خود و غرض فاسد خویش] جزء جزء و پاره پاره کردند [بعضی را قبول و بعضی را رد کردند] (حجر: ۹۱).

معتقد شدم. مگر این که [بگوییم] صفوان معتقد بوده که شخص سؤال کننده در درجه‌ای از بلاهت و نادانی است که ابله‌اش موجب خروج او از دایره تکلیف شده است (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۶۲).

همان‌طور که از عبارت شیخ آشکار است، شیخ، شخصی را که با یک استخاره امام معصوم خود را برگزیند، او را ابله و غافل معرفی کرده است.

(ب) همان‌طور که ذکر شد، شیخ طوسی در بخشی از کتاب خود، در مقام بررسی شبهات واقفه به اخبار منقول از واقفه پرداخته؛ اما منبع اولیه خبر منتسب به صفوان کتاب «فی نصره الواقفه» احمد بن علی موسوی واقفی مذهب است که علاوه بر بی اعتباری منبع، سند از احمد بن علی موسوی تا علی بن معاذ منقطع و علی بن معاذ نیز مهمل است.

(ج) کلام در روایت از معصوم نیست، بلکه صفوان بن یحیی خبر خود را نقل کرده است که تأیید معصوم در آن دیده نمی‌شود.

(د) اصل انتساب استخاره به صفوان بن یحیی محل تامل است؛ زیرا وی از اصحاب جلیل، موثق و از ارادتمندان به امام کاظم و امام رضا علیهما السلام است (نجاشی، ۱۴۰۷: ص ۱۲۰). شیخ طوسی درباره او می‌گوید: صفوان بن یحیی قابل اعتمادترین اهل زمان خویش و عابدترین اهل حدیث بود و کتاب‌های بسیاری هم دارد (طوسی، بی‌تا: ص ۲۴۲) و به عنوان وکیل امام رضا انتخاب شده است (طوسی، ۱۳۸۱: ص ۳۳۸).

## ۱-۲. دعا نویسی

یکی از ویژگی‌های فرهنگی و اعتقادی مسلمانان، خصوصاً شیعیان توسل به ادعیه و اذکار برای امور متفاوت است. در برخی متون دینی، ادعیه و اذکار فراوانی همراه خواص آن - صرف نظر از صحت و سقم سند آنان - ذکر گردیده است. این رویکرد، گاهی با افراطی‌گری و خرافات همراه است که باعث گردیده برخی با انگیزه‌های مختلف دنبال ادعیه و اذکار باشند تا جایی که برای به دست آوردن این ادعیه و اذکار مبالغ کلانی پرداخت کنند.<sup>۱</sup> با توجه به

۱. به عنوان نمونه به این آگهی توجه کنید: «تاکنون کسانی که این برنامه را از ما دریافت کرده‌اند، تک تک آن‌ها بدون استثنا در کنکور و برای دانشگاه‌های دولتی قبول شده‌اند. جهت تهیه این برنامه می‌توانید مبلغ هفتاد هزار تومان به شماره حساب ... واریز کنید تا دستور قرآنی و دعا توسط ... به آدرس شما ارسال شود» (صالحی، سید عباس، «سکوت روحانیت در مبارزه با خرافات»، مجله ...»



این فضای فرهنگی، برخی از مدعیان دروغین با سوء استفاده از این فرهنگ حاکم بر جامعه، به قول خود به «قرآن درمانی» یا «دعا نویسی» پرداخته و از این طریق، در صدد جذب مرید بوده‌اند. آقای «کاظمینی بروجردی»<sup>۱</sup> مدعی ملاقات و ارتباط با امام زمان علیه السلام با ادعای شفا دادن بیماران و حل مشکلات مراجعان از طریق قرآن درمانی، به زعم خود راه حل مناسب ارائه کرده است. به عنوان نمونه برای رفع مشکل کسی که شغل ناوایی دارد، قرائت آیه «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» (قلم: ۱)؛ برای رفع درد چشم قرائت آیه «عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا» (انسان: ۶)؛ و برای رفع درد گوش قرائت آیه «الْأُذُنَ بِالْأُذُنِ!» (مائده: ۵). و همچنین برای رفع مشکلات مختلف، قبولی در مصاحبه گزینش و اصلاح فرزندان بد رفتار و فروش زمین، اذکاری تجویز کرده است! (بازخوانی پرونده کاظمینی بروجردی، بی تا: ص ۱۲). این اذکار در حالی تجویز شده که بسیاری از مریدان از این اذکار نتیجه نگرفته و لذا نسبت به آموزه‌های دین بدبین شده‌اند؛ ضمن این که این اذکار در هیچ منبع معتبری وجود ندارد و این مدعی به ذوق خود و متناسب با مشکلات، آیاتی از قرآن را انتخاب کرده است.

### ۱-۳. عریضه نویسی

نوشتن نامه (عریضه نویسی) برای امام معصوم به منظور بر آورده شدن حاجت‌ها است و در واقع نوعی وسیله برای ارائه و آشکار کردن خواسته‌های انسان تلقی می‌گردد. غیر از اسلام در برخی از ادیان مثل یهود، عریضه نویسی کاربرد داشته است و اکنون در کنار دیوار ندبه این عمل صورت می‌گیرد (خان محمدی و انواری، ۱۳۹۱: ص ۱۵۷). در اعتبار و عدم اعتبار عریضه نویسی مطالبی از سوی برخی محققان نگاشته شده است (رک: شهبازیان و دیگران، ۱۳۹۲: ص ۷۶ و سید نژاد، ۱۳۷۹: ص ۲-۱۰). صرف نظر از حجیت یا عدم حجیت عریضه نویسی، این عمل به عنوان ترفندی در میان مدعیان به حساب می‌آید. به عنوان نمونه، کاظمینی بروجردی با طرح عریضه نویسی خطاب به امام زمان علیه السلام به مریدان خود وعده

....

حوزه، شماره ۱۶۱).

۱. متولد سال ۱۳۳۷؛ وی با مطرح کردن ادعاهای دروغینی، مانند ادعای ارتباط با امام زمان و اخبار از غیب، عده ای از مردم را به خود جذب کرد و پس از چند بار تذکر، در نهایت دستگیر شد (دادستانی ویژه روحانیت، پرونده نامبرده، بی تا).

می‌داد که عریضه‌ها را پس از جمع‌آوری خدمت امام زمان برساند (بازخوانی پرونده ح، ب، بی تا: ۴). این عمل در حالی صورت می‌گرفت که در میان آداب مستفاد از ادعیه در دوران غیبت کبرا (۳۲۹ق تا کنون) به خاطر عدم نایب خاص، هیچ‌جا دیده نشده است که عریضه را به دیگری باید داد و او واسطه بین مردم و امام باشد؛ بلکه عنوان شده است که عریضه را خود انسان، مخفیانه و دور از چشم دیگران داخل نهر آب یا چاه بیندازد؛ چنان‌که علامه مجلسی پس از بیان اذکار عریضه می‌نویسد:

و آن‌گاه رقعہ استغاثہ را با بوی خوش معطر می‌سازد و در میان رقعہ، عریضہ امام زمان علیه السلام را قرار داده و هردو را در داخل گل پاک می‌گذارد. سپس دو رکعت نماز می‌خواند و بعد، آن را به درون چاه آب یا نهر جاری می‌اندازد و بهتر است که این کار در شب جمعه انجام گیرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۱، ص ۲۸).

یا در کتاب نجم الثاقب در بحث از رقعہ استغاثہ به سوی امام عصر علیه السلام پس از ذکر دعا نوشته است: «و این رقعہ را در گل پاکی بگذارد و در آب جاری یا چاهی بیندازد» (نوری، ۱۳۸۴: ج ۲، ص ۴۹۶).

بنابراین، در هیچ‌کدام از کتاب‌هایی که از عریضه نویسی در آن ذکر شده است، توصیه نشده که دیگری باید واسطه بین مستغیث و امام باشد و لذا از جانب مدعیان دروغین، این وساطت حيله‌ای بیش نیست.

## ۲. استناد به امور غیر قابل اثبات

یکی دیگر از ترفندهای عوام فریبانه مدعیان، بیان اموری است که اثبات آن به دلیل خاص نیاز دارد. افراد عادی صحت و سقم این امور را نمی‌توانند اثبات کنند و به نوعی ادعای آنان صرف ادعا است و قابلیت راستی آزمایی ندارد. در ادامه به نمونه‌هایی از این ترفندها اشاره می‌گردد:

### ۱-۲. معجزه سازی

مدعیان دروغین، بر اساس سنخ ادعا، خصوصا ادعای مهدویت، به اظهار معجزه و کرامت ناگزیر هستند. از این رو ناچارند برای ادعای خود اعجاز به نمایش گذارند! البته این مدل در طول تاریخ دارای سابقه است. اظهار اعجاز محمد بن عبدالله بن تومرت (رک: ابن اثیر، ۱۳۷۱: ج ۲۴، ص ۳۲۰)؛ ملا هدایت الله آراندی (رک: میرک بن مسعود، ۱۳۸۵: ص ۴۲۳ و

جعفریان، ۱۳۹۳: ص ۱۷۹) و سید محمد بن فلاح<sup>۱</sup> (ابن شدقم، ۱۳۷۸: ج ۳، ص ۲۳۷)؛ از آن جمله است.

در بین مدعیان معاصر، علی محمد باب و احمد بن اسماعیل بصری ادعای اعجاز کرده‌اند. در مورد باب آمده است که در جلسه تبریز از او درخواست معجزه شد؛ وی گفت: اعجاز من این است که برای عصای خود آیه نازل می‌کنم و شروع کرد به خواندن این فقره: «بسم الله الرحمن الرحيم سبحان الله القدوس السبوح الذی خلق السموات و الارض کما خلق هذه العصا آیه من آیاته».

در این عبارت، وی اعراب کلمات را از نظر ادبی غلط خواند؛ زیرا تاء را در «السموات» مفتوح و ضاد در «الأرض» مکسور خواند (فاضل مازندرانی، بی‌تا: ج ۳، ص ۱۴). از دیگر معجزات او این بود که می‌گفت: «در یک روز هزار بیت می‌نویسم» (همان).

از احمد بن اسماعیل بصری هم به طور فراوان کرامت و معجزه نقل شده است! مانند طرح این کرامت که قبر حضرت زهرا علیها السلام در کنار قبر امام حسن مجتبی علیه السلام است؛ شفای بیمار سرطانی به دلیل ایمان به احمد (احمد بن اسماعیل، ۱۳۹۴: ص ۸۹)؛ دست کشیدن بر روی چشمان برخی طلاب و رویت فرشتگان و ملکوت آسمان‌ها توسط آنان (همان، ص ۹۶)؛ شفای پای بیمار فلج (الفیصلی، بی‌تا: ص ۱۱)؛ پیش بینی سقوط رژیم صدام (همان، ص ۱۲) و نگارش نام احمد بر روی فرش حسینی (همان، ص ۴۳).

در پاسخ به این اوهام ضمن بررسی جایگاه معجزه، چند پاسخ بیان می‌شود: «معجزه» از ریشه «عجز» بوده و در لغت به معنای ضعف و ناتوانی است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۴، ص ۲۳۳) و در اصطلاح فعل خارق العاده‌ای است که از طرف صاحب منصب الهی در وقت تحدی صادر می‌شود و کسی توانایی اجرای آن را ندارد. از این رو، به افعال عادی و طبیعی از جانب افراد که در مقام تحدی نمی‌باشند و دیگران توانایی انجام دادن آن

<sup>۱</sup> . محمد بن فلاح در شهر واسط به دنیا آمد. او در هفت سالگی قرائت قرآن و مقدمات علم را آموخت و در مدرسه تمام اوقاتش را به درس و مطالعه گذراند؛ به گونه‌ای که با جد و تلاش فراوان در زمانی کوتاه به مراتب عالی در علم و جایگاه استادی نایل گردید. پس از این، کار او بالا گرفت و خود را به «مهدی» ملقب ساخت و در سال ۸۲۸ قمری ظهور کرد. و دولت مشعشعیان را تشکیل داد (شوشتری، فاضی نورالله، مجالس المومنین، ۱۳۹۲: ج ۵، ص ۳۶۷).

را داشته باشند، معجزه گفته نمی‌شود. با این تعریف چند نکته روشن می‌شود:

الف) دو ادعای علی محمد باب (که گذشت) معجزه تلقی نمی‌شود؛ زیرا توانایی انجام دادن آن توسط افراد عادی وجود دارد؛ چه آن که در همان جلسه امیر اصلاان خان (رئیس تشریفات ولیعهد قاجار) که در مجلس حضور داشت، در پاسخ به معجزه سخن گفتن با عصا گفت: اگر این قبیل فقرات از جمله آیات شمرده شود، من هم می‌توانم عباراتی را تلفیق کنم و گفت: «الحمد لله الذی خلق العصا کما خلق الصباح و المساء» (فاضل مازندرانی، بی‌تا: ج ۳، ص ۱۴). همچنین است نوشتن هزار بیت در یک روز که دیگران از انجام دادن آن عاجز نیستند.

ب) در معجزه لازم است فعل و عمل در برابر چشمان تعدادی از مخالفان صاحب دعوت صورت پذیرد تا دلیلی بر حقانیت امر مدعی باشد و بتوان درستی و نادرستی آن را تشخیص داد که این مطلب در مورد سخنان ادعایی احمدبن اسماعیل بصری و مریدان وی قابل تطبیق نیست و کسی از مخالفان او این مطلب را تایید نکرده است. برای مثال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای اثبات نبوت خود و به درخواست مشرکان از درخت خواست تا از جای خود کنده شود و نزد او بیاید و به نبوت و رسالت وی گواهی دهد که این درخواست تحقق یافت (سید رضی، ۱۴۱۴: ص ۳۰۱). همچنین حضرت عیسی وقتی معجزاتی مانند زنده کردن مردگان را ارائه کرد قابل بررسی بوده و مردم می‌توانستند ادعای ایشان را بررسی کنند و آن‌ها را به چشم خود ببینند تا حجتی بر آن‌ها باشد. دیگر معجزات انبیاء صلی الله علیه و آله نیز از این قبیل بوده و در برابر چشم دیگران و برای اثبات حقانیت آنان بوده است، که هیچ یک از این معیارها در ادعای احمد وجود ندارد.

ج) معجزه نباید با عقل و یا نقل و احادیث وارد شده از اهل بیت علیهم السلام مخالف باشد. به عنوان نمونه ادعای آگاهی از قبر حضرت زهرا علیها السلام و دفن ایشان در بقیع، علاوه بر این که قابلیت راستی آزمایی ندارد، خلاف چیزی است که در روایات ذکر شده است؛ زیرا آنچه را روایات متعدد شیعی به آن قائلند دفن حضرت زهرا علیها السلام در خانه خود و در کنار قبر مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله است (کلینی ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۴۶۲؛ صدوق، ج ۲، ص ۵۷۳؛ شهبازیان، ۱۳۹۳: ص ۸۴-۸۵). گزارش دفن حضرت زهرا علیها السلام در بقیع مطابق دیدگاه اهل سنت بوده و این گفته میان شیعه از اقوال شاذ و نادر است که در مقام تعارض دو خبر، مخالفت با اهل سنت در

اولویت است. لذا این نمونه‌ها دلالتی بر معجزه ندارد، بلکه خلاف واقع است.

د) اگر معجزه به عنوان دلیل برای اثبات حقانیت دعوت این جریان‌ها است، چرا در جریان احمد اسماعیل شاهد آن هستیم که تنها به مواردی استناد شده که از دید دیگران پنهان بوده است (فیصلی، بی‌تا: ص ۱۲-۶۵) و مواردی که از آنان درخواست اعجاز شده، متحیر مانده تا جایی که به جای پاسخ به سوال کننده‌ها با عتاب برخورد شده و آنان را افراد بی عقل (احمد بن اسماعیل، ۱۳۹۴: ج ۷، ص ۳۷۷) معرفی کرده است که باید منتظر عذاب قائم باشند (همان، ص ۳۴۵).

## ۲-۲ رویا

استفاده از «خواب» و «رویا» و استناد به آن در میان مدعیان دروغین جایگاهی ویژه دارد. در طول تاریخ مدعیان مهدویتی مانند احمد بن عبدالله بن هاشم (م ۶۵۸)؛ فضل الله حروفی (۷۹۶ق)، موسس فرقه حروفیه (جعفریان، ۱۳۹۳: ص ۱۰۷) و محمد بن عبدالله نوربخش (۸۶۹ق) موسس فرقه نوربخشیه (همان، ص ۱۱۵) با ابزار خواب و استناد به آن ادعای خود را ترویج کرده‌اند!

در دوران معاصر افرادی مانند مهدی سودانی (م ۱۳۰۲ق)، میرزاغلام احمد قادیانی (م ۱۹۰۸م)، جهیمیان العتیبی و احمد بن اسماعیل بصری، از ابزار خواب در جهت تأیید مهدویت خود استفاده کرده‌اند (رک: شهبازیان، ۱۳۹۲: ص ۱۸-۳۵). نمونه افراطی این رویکرد جریان «شیخ علی اکبر تهرانی» است<sup>۱</sup> که خواب را یکی از ارکان اسلام می‌داند. او در این باره می‌گوید:

اگر کل دین دوتا پایه داشته، یکیش خوابه، مثلا این کل اسلام روی دو جمله اصلیه یکی کارهای دیگه و یکی هم خواب... این رو قبول کنید؛ وَاَلَّا کافر هستی... تکرار می‌کنم؛ اگر کل دین دو پایه داره یکی خواب است... (فایل سخنرانی نامبرده: بی‌تا).

هر کدام از این جریان‌ها با انواع و اقسام رویاها در مقام اثبات ادعاهای خود می‌باشد که

۱. نامبرده خود را معصوم پانزدهم می‌داند و برای خود درجه‌ای از عصمت قائل است و از جانب مریدان خود، نایب خاص امام زمان خوانده می‌شود. در مستندات پخش شده از او روی جریان نزدیک بودن ظهور تکیه دارد.

مجال ذکر آن نیست و تنها در چند قالب به بررسی رویا می‌پردازیم:  
الف) «رویا» از کلمه (رای) گرفته شده (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۴، ص ۲۹۱) و مراد از آن، چیزی است که در خواب دیده شود (همان، ص ۲۹۷). این لغت با کلمات دیگر مانند حلم، نوم و حدیث مترادف می‌باشد.

همان‌طور که قبلاً در مسئله استخاره اشاره شد، برای اثبات امور اعتقادی به یکی از ادله چهار گانه، یعنی قرآن، سنت، اجماع و دلیل عقل تمسک می‌شود و هر دلیل خارج از آن مقبول نیست. رویا یکی از مواردی است که هیچ کدام از دلایل مذکور آن را تأیید نکرده است، بلکه بر عدم تأیید آن دلیل خاص داریم. از امام صادق علیه السلام در حدیث صحیح چنین آمده است:

مَا تَرَوِي هَذِهِ النَّاصِبَةَ فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ فِيمَا ذَا فَقَالَ فِي أَدَانِهِمْ وَ رُكُوعِهِمْ وَ سُجُودِهِمْ فَقُلْتُ إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ أَبِي بَنَ كَعْبٍ رَأَاهُ فِي النَّوْمِ فَقَالَ كَذَبُوا فَإِنَّ دِينَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَعَزُّ مِنْ أَنْ يُرَى فِي النَّوْمِ قَالَ فَقَالَ لَهُ سَدِيرُ الصَّيْرِفِيِّ؛ این ناصبی‌ها چه سخنی است که مدام روایت می‌کنند؟ راوی می‌گوید: گفتم فدایت کردم، در چه موردی؟ فرمود: «در اذان‌ها و رکوع‌ها و سجده‌هایشان» عرض کردم: می‌گویند ابی بن کعب در خواب چنین دیده است! امام فرمود: آن‌ها دروغ گفته‌اند. همانا دین خدا بسیار عزیزتر و عزتمندتر از آن است که در خواب دیده شود» (کافی، ۱۴۰۷: ج ۳، ص ۴۸۲).

در این روایت، دو نوع نگاه به خواب ترسیم شده است: نگاهی که مخالفان اهل بیت اتخاذ کرده‌اند و آن حجیت رویا در امور شرعی و دیگری نگاه اهل بیت است مبنی بر این که دین اسلام مهم‌تر از آن است که با خواب تشریح شود. امام صادق علیه السلام با این روایت متذکر این نکته شده که مسلمانان را از تشریح احکام، حتی احکام فقهی کوچک، مانند رکوع و سجود به وسیله رویا باز دارند. با این وصف چگونه می‌توان ادعای مهدویت مدعیان را با خواب اثبات کرد.

ب) در میان متکلمان و فقهای شیعه، کسی به اعتبار خواب در برابر نص و روایت قائل نبوده و در امور یقینی به خواب استناد نکرده است. شیخ مفید در فصول المختاره در پاسخ طبرانی زیدی مذهب که معتقد بود شیعه به رویا اعتقاد دارد می‌گوید:  
فإننا لسنا نثبت الأحكام الدينية من جهة المنامات، و إنما نثبت من تأويلها ما جاء

الأثر به عن ورثة الأنبياء عليهم السلام؛ ما احكام دينی را به واسطه خواب اثبات نمی کنیم، بلکه تنها از طریق تاویل آن به واسطه آنچه از ورثه انبیا (امامان معصوم) به جا مانده باشد؛ اثبات می کنیم (مفید، ۱۴۱۳: ص ۱۲۸).

علامه حلی به صراحت در پاسخ به کسی که روایت عدم تمثیل شیطان را در قالب رسول خدا صلى الله عليه وآله می خواند؛ می گوید:

آنچه از خواب و رویا با ظاهر دستور اهل بیت عليهم السلام مخالف باشد، به هیچ عنوان پذیرفته نمی شود و آنچه را نیز با ظاهر دستورات اهل بیت عليهم السلام موافق است، می توان تبعیت کرد؛ اما در اطاعت از این دسته از خوابها نیز وجوبی نمی باشد و دیدن پیامبر صلى الله عليه وآله در خواب اطاعتی را بر ما واجب نمی کند (حلی، ۱۴۰۱: ص ۹۸).

بنابراین، خواب به دلیل نبود حجت شرعی و عدم پشتیبانی سیره عقلا تنها ترفندی است که مدعیان در جهت بهره گیری اهداف خود و جذب مخاطب آن را ترویج می کنند.

### ۳. نسب سازی

با توجه به این که امام مهدی عجل الله فرجه در روایات از عترت پیامبر صلى الله عليه وآله معرفی گردیده است (ابی داوود، بی تا: ج ۴، ص ۱۰۷ و طوسی، ۱۴۲۵: ص ۱۸۰)؛ مدعیان مهدویت برای انتساب خود به خاندان پیامبر صلى الله عليه وآله از ترفند «نسب سازی» استفاده می کنند؛ ترفندی که در طول تاریخ دارای پیشینه است؛ مانند نسب سازی ابو عبدالله محمد بن عبیدالله بن تومرت<sup>۱</sup> (م ۵۲۴) و شیخ محمد بن احمد فریانی (الغریانی)<sup>۲</sup>.

اما در دوران معاصر می توان به جریان محمد بن عبدالله قحطانی (م ۱۴۰۰) اشاره کرد. او در سال ۱۴۰۰ ق با حمایت های جهیمیان العتیبی (م ۱۴۰۰ ق) در مسجد الحرام به قیام

۱. او از جمله مهدیان دروغینی است که دولت موحدون را در تینممل مراکش پایه گذاری کرد. برخی از مورخان در صحت انتساب ابن تومرت به خاندان نبوت تردید کرده اند و آن را ادعایی بیش ندانسته و معتقدند که ابن تومرت برای توجیه ادعای مهدویت و پیشبرد ریاست طلبی خود چنین نسبی را برای خود بسته یا دیگران به او بسته اند (رک: مجد الدین کیوانی، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل ابن تومرت، ص ۱۶۸).

۲. وی از قاهره به نابلس آمد و به مقام قضاوت مشغول گردید و پس از چندی با ادعای سیادت مدعی مهدویت گردید (محمد بن عباس حنفی، بدائع الزهور فی وقائع الدهور، ج ۳، ص ۲۴۷).

مسلحانه دست زد و با این که قحطانی بود؛ با جعل و تزویر در بین مریدان، خود را از شرفای مهاجر به مصر دانست که بعدها به یمن رفته و به قحطانی شهرت یافته است (مهدیان دروغین، ۱۳۹۳: ص ۱۲۱).

برای احمد بن اسماعیل بصری هم ادعا سیادت شده است. انصار وی او را فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سیدحسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد مهدی علیه السلام می‌دانند (دیراوی، ۱۴۳۱: ص ۸). این جریان اثبات نسب را تنها از طریق خداوند و امام مهدی علیه السلام امکان پذیر می‌دانند؛ به طوری که از مردم مخفی است (احمدبن اسماعیل، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۵۵-۵۶). این بیان در حالی است که یاران وی، در برخی آثار خود، نسب او را جواری تبیین کرده‌اند که مردم از آن آگاه هستند. دیراوی در این باره می‌گوید: با شهادت‌های معتبر از مهم‌ترین افراد فامیل (نسب احمد) تأیید شده است. حال بعد از رد کردن حق، آنان به چه چیز ایمان دارند؟! (دیراوی، ۱۴۳۱: ص ۸).

احمد بن اسماعیل در جایی دیگر می‌گوید:

خداوند وائمه نام و نسب من را ذکر کرده‌اند؛ حتی اشعیا، ارمیا، دانیال و یوحنا برای موضوع مرا سال‌ها قبل برای اهل زمین روشن کرده‌اند. با همه این‌ها شما باز مرا تنها می‌گذارید؟! (احمدبن اسماعیل، ۱۳۹۴: ج ۱، ص ۵۵-۵۶).

ضمن تناقض در کلام این جریان، اثبات سیادت از چند طریق قابل اثبات است:

الف) سید یزدی در عروه الوثقی قائل است نسب سیادت با دو راه «بینه» و «شیاع مفید علم»، قابل اثبات است. درباره شیاع حداقل شهرت در سرزمین شرط است (یزدی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۴۰۴)؛ اگر کسی ادعای سیادت کرد و برای اثبات آن شهادت عالم به علم نسب شناسی وجود نداشت، و یا در شهر خود شهرت نداشت؛ ادعای او ثابت شدنی نیست؛ زیرا در صورت عدم دلیل به اصل نوبت می‌رسد و مقتضی اصل عدم سیادت است (خویی، ۱۴۱۸: ج ۲۵، ص ۳۲۵).

برای برائت ذمه مکلفان از یک مسئله شرعی مانند پرداخت خمس به سادات، فقهای امامیه شروط خاصی را ذکر کرده‌اند چه‌طور امکان دارد برای مسئله‌ای اعتقادی مانند بحث ذریه و نسب امام مهدی علیه السلام شرط قائل نشد؟ علاوه بر آن، با اغماض از تناقض‌های این



جریان، از اساس آنان قائل هستند که او نسبی ندارد،<sup>۱</sup> بلکه در خواب و یا ملاقات‌هایی که برای دیگران ثابت نشده، سیادت او اثبات گردیده است.

ب) علاوه بر دو مورد مذکور، علمای علم نسب شناسی دو راه دیگر برای اثبات سیادت ذکر کرده‌اند: یکی «شجره نامه» معتبر که به تأیید علمای نسب شناس رسیده باشد و دیگری وجود «وقف‌نامه»هایی که سیادت این خاندان در آن قید شده باشد.

در زمینه جریان احمد، تنها همان شجره نامه‌ای که در ابتدا ذکر شد، آورده‌اند و اعتبار آن به یک خواب و ملاقات با امام منوط است که غیر قابل اثبات و صرف ادعا است. این در حالی است که بنا بر دیدگاه شیروان الوائل، وزیر امنیت دولت عراق و گروهی از طوایف بصره، احمد بن اسماعیل از طایفه «همبوش» است که یکی از طوایف البوسویلم می‌باشد. این طایفه، از سادات محسوب نمی‌شوند. شجرنامه حقیقی او را نیز چنین ذکر کرده‌اند:

احمد، فرزند اسماعیل، فرزند صالح، فرزند حسین، فرزند سلمان، فرزند داوود،<sup>۲</sup> فرزند محمد، فرزند روضان، فرزند برهان، فرزند عطاءالله ابوالسود، فرزند علی، فرزند علیان، فرزند عبدالله، فرزند حمد، فرزند محمد، فرزند عبدالرحمن، فرزند عبدالعزیز، فرزند حسن، فرزند عباس فرزند احمد (شهبازیان، ۱۳۹۶: ص ۱۶-۱۷).

همچنین در مورد این مدعی وقف نامه‌های سادات هم وجود ندارد، مگر این که در آینده انصار وی آن را تولید کنند!

#### ۴. ترویج عالم‌گریزی

نفی نهاد روحانیت و مبارزه با عالمان دینی ترفندی برای مقابله با روشنگری و بیان حقایق از سوی عالمان دین و بی‌اثرسازی آن است. این ترفند که با هدف خارج ساختن مهم‌ترین رقیب و مانع اصلی شیوع انحرافات در جامعه صورت می‌پذیرد؛ زمینه ساز اشاعه تفکرات پلورالیستی و تکثرگرایانه از سوی فرقه‌های انحرافی می‌شود. جامعه‌ای که تعمق و تلاش مستمر عالمان دینی در راه شناخت آموزه‌های الهی در آن نفی شود، مطالب عامیانه و

۱. این جریان با استناد به برخی روایات در تناقضی آشکار او را مجهول النسب می‌دانند که بحث از آن مجال دیگری می‌طلبد.

۲. آبادی همبوش که احمد بن اسماعیل در آن ساکن است به نام داوود است.

سطحی فرقه‌ها بیش‌تر مورد پذیرش قرار می‌گیرد. از این رو، فرقه‌های انحرافی مانند بهائیت دشمنی دیرینه‌ای با این نهاد دارد؛ تا جایی که حتی حسینعلی بهاء از نشستن بر منبر منع می‌کند (نوری (ب)، بی‌تا: ص ۱۴۶) و اگر از منظر وی از فراعنه و جابره ذکر می‌شود، مقصود علما هستند (نوری الف بی‌تا: ص ۲۶۶) و از ایشان به دزدان راه تعبیر می‌شود (شوقی، بی‌تا: ج ۳، ص ۳۱۱).

بهایت در استدلال به روایات بشارت دهنده ظهور، علت انحراف اسلام و نسخ آن را فساد عالمان دینی دانسته و چنین ادعا کرده که سبب ظهور ظلمت بدع و مظلوم شدن افق امر الله و باقی نماندن جز نامی از اسلام، اختلاف علما و تشتت اهل‌سنت است؛ حال آن‌که مسئله تفقه در دین، بر گرفته از متن دین و قرآن (توبه: ۱۲۲) و مورد تأیید اهل بیت علیهم‌السلام بوده است. در میان مدعیان دروغین، پس از انقلاب هم این شیوه ادامه دارد. به عنوان نمونه مدعیانی مانند علی یعقوبی<sup>۱</sup>، در سخنان خود از عدم مراجعه به علما سفارش کرده است تا جایی که با ساختن برخی توقعات درباره مراجع، به دور کردن مردم از آنان و توجیه اختلاف میان خودشان و مراجع می‌پردازد (حجامی، ۱۳۹۵: ص ۹۹)؛ که باز خورد آن را در کلام یک مرید این چنین می‌بینیم:

ثمره این ۱۴۰۰ سال استاد و شاگردی و دعوت به خود توسط آقایان در جامعه شیعه چیست؟ بله! تمدید غیبت امام زمان، عدم انتفاع از امام زمان، سردرگمی و آوارگی مردم در فتنه‌ها و حوادث الواقعه، انحطاط ایمانی و اخلاقی شیعیان، انحراف عمده خواص و به تبع عوام و...! تا کی مردم بیچاره را به خودتان دعوت می‌کنید و از امام حیّ باز می‌دارید؟ چون خودتان بهره ندارید، دیگران را منع می‌کنید؟! این انصاف نیست!!!

یا در جای دیگر می‌گوید:

منادیان دین در جامعه ما به خواب سنگینی فرو رفته‌اند. آب را راکد نگه داشته‌اند، بعد با تعجب می‌گویند که چرا کرم زده؟ چرا لجن گذاشته؟ چرا بو گرفته؟ (کاظم - الف مرید ع - ی؛ (رک: <http://ensaaf.blogfa.com/22/5/95>).

آنچه باید در این زمینه پاسخ داد این است که ائمه اطهار علیهم‌السلام، شاگردان خود را به جلوس

۱. وی رجوع به رساله علمیه گذشتگان راکافی می‌داند (نظام عالم، جلسه ۷، ص ۹).

در مسجد و هدایت مردم و صدور فتوا امر می کردند (ابن ادريس: ج ۳، ص ۵۷۵). حال اگر حضور فقیه موجب اضمحلال و تاریکی دین می شد، امام معصوم به آن امر نمی کرد. از این رو، امام صادق علیه السلام شعیب عرقویی را به ابو بصیر و سلیمان بن خالد را به زراره و ابو بصیر و برید بن معاویه ارجاع داده (مفید، ۱۴۱۳: ص ۶۶)، و امام رضا علیه السلام عبد العزیز بن مهتدی را به یونس بن عبد الرحمن و علی بن مسیب را به زکریا بن آدم قمی ارجاع داده (همان، ۸۷)، و امام هادی علیه السلام حماد را به عبد العظیم حسنی ارجاع داده است (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۷، ص ۳۳۱)؛ چراکه فقیه با توجه به مبانی دینی و کتاب و سنت و عقل حکم می کند، نه بر اساس هوا و هوس؛ و شرع مقدس هیچ گاه بر معیار دیدگاه شخصی فقها نبوده؛ لذا قیاس و استحسان حجت نیست و اگر محدود اشخاصی بوده اند که بر اساس هوا حکم کرده اند در زمان ائمه علیهم السلام نیز سوء استفاده گران بوده اند که مورد نفرین اهل بیت علیهم السلام واقع می شدند. اگر وجود آنان قبل از غیبت باعث نزول دین نمی شد، بعد از غیبت نیز با توجه به وجود حراست علمای راستین از دین، این امر موجب نزول و زوال دین نخواهد شد. به طوری که امام هادی علیه السلام می فرماید:

اگر در پس غیبت امام قائم علیه السلام عالمانی نبودند که داعی به سوی او بوده و به او اشاره کنند، و با براهین الهی از او دفاع کنند، و بندگان مستضعف خدا را از دام ابلیس و اعوانش برهانند، و از بند نواصب [=دشمنان اهل بیت] رهایی بخشند؛ همه مردم از دین خدا دست کشیده و مرتد می شدند. لکن عالمان، کسانی هستند که زمام قلوب شیعیان ضعیف ما را در دست داشته و مهار می کنند؛ همچون ناخدای کشتی که سگان آن را در دست دارد. این گروه همان شخصیت های برتر و افضل در نزد خداوند با عزت و جلال می باشند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۶).

## ۵. لقب سازی

یکی دیگر از ترفندهای مدعیان برای جذب مریدان و علاقمند شدن آنان برای اهداف فرقه «تولید القاب دروغین» است که بیش تر به منظور ماندگاری افراد در میان فرقه استفاده می شود. عبدالحسین آیتی در کتاب معروف خود، «کشف الحیل» به نمونه هایی از این ترفند در جاهای مختلف اشاره کرده است. وی در مورد علی محمد شیرازی می نویسد:

باب از ماکو، به هر کدام از اصحاب خود القابی را نسبت داد. این القاب آن قدر مهم بود که زمانی که میرزا حسینعلی نوری از القاب بی نصیب ماند، وی عصبانی گردید و



قصه کناریگری از این مسلک را داشت تا این که به طور مخفیانه توسط قره العین به لقب «بهاء» نایل گردید؛ اما در دوران حیات باب به آن مشهور نگردید تا بعد از قتل باب به بهاء و بهاء الله مشهور گردید (آیتی، ۱۳۸۹: ص ۸۷).

یا در مورد خود آیتی الواح متعددی صادر گردید و در یکی از آنها، لقب «آواره» به او داده شد: «ای آواره عبدالبهاء! سرگشته کوه و بیابانی و گم گشته بادیه و صحرا، این چه موهبتی و این چه منقبتی...!» (همان، ص ۲۳۳).

در میان مدعیان جدید می توان نمونه هایی از این نوع لقب سازی را مشاهده کرد. به عنوان نمونه آقای «ن - ز»، مدعی فرزندی امام و نایب خاص حضرت، در خطابی به مریدان، آنها را «اصحاب کهف» خوانده است (بازخوانی پرونده انحرافات ن - ز، بی تا: ص ۱۵). به راستی اصحاب کهف کجا و این عده کجا؟! عده ای که در پرونده آنها فریب کاری، مفاسد اخلاقی، دروغ گویی، جعل خواب و رویا ذکر شده است؛ دادن این لقب به پیروان، چیزی نیست جز تملق گویی و مرید پروری.

نمونه دیگر آقای «الف - و»<sup>۱</sup> در حضور شاگردان و اهل محفل خویش خطاب به خانم «الف - و» می گوید:

حتما خواهر گرامی و افتخار اسلام، عارفه جلیل القدر این را فرموده اند. ای سالکه پاکدل، ای مربی گرامی مکتب مولا که مدتی است در مقام تسلیم و رضا طالبین حقیقی را تحت تعالیم خود گرفته اید! شما خود یکی از ستارگان درخشان آسمان حقیقتید... قربان شما؛ شما زهرای زمانید (اسحاقیان، ۱۳۸۹: ص ۱۴۳).

بر اساس این گزارش ها، انتساب القاب دروغین، می تواند زمینه های جذب دیگران را فراهم کند؛ زیرا این نوع کلمات و برخوردها، احساس خود بزرگ بینی را در انسان قوی می کند و اگر انسان نیز مقداری دچار کمبود شخصیت باشد، با این نوع ادبیات، سریع جذب خواهد شد. از این رو، می توان حدس زد به دلیل همین لقب سازی ها است که برخی از آنها سالیان متمادی در خدمت اهداف فرقه ای این جریان ها قرار گرفته و از آنان نهایت بهره های فرقه ای شده است.

۱. وی مدعی ارتباط کامل با امام زمان است و به نوعی خود را معصوم می داند و از ادعای دیگر او اصل وجود نایب خاص در زمان غیبت کبرا است (اسحاقیان، جواد، بیچک انحراف، ۱۳۸۹: ص ۱۴۲).

## نتیجه گیری

یکی از آسیب‌های جدی مباحث مهدویت، جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین است. آنان طبیعتاً برای رسیدن به اهداف خود به جذب مرید مجبور می‌باشند. از این‌رو، مهم‌ترین هدف این نوشتار مصداق‌یابی ترفندهای این مدعیان با رویکرد عوام‌فریبی بود. بررسی‌ها گویای آن است که تعدادی از این مدعیان با سوء استفاده از مفاهیم پذیرفته شده اعتقادی مردم، مانند قرآن، استخاره و عریضه‌نویسی، به اغواگری و فریفتن مردم می‌پردازند. در قالبی دیگر نیز به اموری که قابل راستی‌آزمایی نیست مانند اظهار کرامت، معجزه، خواب و رویا و رساندن نسب خود به معصوم استناد جسته‌اند.

اگر چه ترفندهای مدعیان کاملاً مهم و در خور توجه است؛ آنچه در این میان مشترک است، اندیشه اصیل مهدویت است که با توجه به این اندیشه مدعیان از آن سوء استفاده کرده‌اند و از طرفی دیگر بسیاری از پیروان آنان، به خاطر شیعی بودن جامعه اسلامی و توجه ویژه آحاد مردم به مقوله امامت و مهدویت و عدم کسب شناخت دقیق از مسائل مهدویت در دام این مدعیان قرار گرفته‌اند.

از این‌رو برای برون رفت از دام مدعیان و جلوگیری از فریبکاری آنان، راه‌های مختلفی وجود دارد؛ اما مهم‌ترین آن «دانش‌افزایی» در بین مردم است. فرقه‌های انحرافی، از عدم دستیابی مردم به امکانات رسانه‌ای و نداشتن اطلاعات کافی در زمینه اعتقادات دینی، استفاده می‌کنند و با استفاده از ابزارهای مختلف و زیبا جلوه دادن اعتقادات و افکار خود، مردم را جذب می‌کنند. این ادعا زمانی روشن‌تر می‌گردد که به دلیل پایین بودن سطح دانش و اطلاعات مردم برخی مناطق، این افراد بیش‌تر جذب چنین مکاتیبی می‌شوند. همچنین این گروه‌ها با اطلاع از نیاز مردم و خواسته‌های جوانان، از این نیازها سوء استفاده کرده و با ابراز همدردی و این‌که این گروه‌ها نجات‌بخش آنان هستند، با شبهه افکنی در باورهای مردم، به راحتی افکار خود را القا می‌کنند. بنابراین، با افزایش سطح آگاهی مردم می‌توان به نحو چشمگیری از فعالیت این گروه‌ها کاست. پایین بودن سطح آگاهی مردم از ایمان و اعتقادات خود، از راه‌های نفوذ این فرقه‌هاست که با آموزش به آنان و افزایش بصیرت در این زمینه می‌توان بخش گسترده‌ای از فعالیت این گروه‌ها را خنثی کرد.



## منابع

### قرآن کریم.

۱. آیتی، عبدالحسین (۱۳۸۹). *کشف الحیل*، تدوین: علی امیر مستوفیان، تهران، نشر راه نیکان.
۲. ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۱). *کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران*، مترجم: ابو القاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی.
۳. ابن بابویه، محمد (۱۳۹۵). *کمال الدین و تمام النعمه*، محقق: علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات اسلامیة.
۴. ابن طائوس، علی بن موسی (۱۳۷۵). *کشف المحجّة لثمرة المهجّة*، قم، بوستان کتاب.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، مصحح: جمال الدین، میر دامادی، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
۶. اداره اطلاعات قم، (بی تا). *بولتن سراب ۲*.
۷. اسحاقیان، جواد (۱۳۸۹). *پیچک انحراف*، قم، بنیاد فرهنگي حضرت مهدی موعود علیه السلام.
۸. اشراق خاوری، عبدالحمید (بی تا). *تاریخ امری*، بی جا، مؤسسه ملی مطبوعات امری.
۹. اشعری، سعد بن عبدالله (۱۳۸۲). *المقالات و الفرق*، مصحح: محمد جواد مشکور، مترجم: یوسف فضاپی، تهران، حیدری.
۱۰. اصفهانی، علی بن الحسین (۱۹۸۷م). *مقاتل الطالبین*، تحقیق: سیداحمد صقر، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۱. بحرانی، یوسف (۱۴۰۵ق). *الحدائق الناظرة فی احکام العترة الطاهرة*، قم، دفتر نشر اسلامی.
۱۲. برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ق). *المحاسن*، قم، دارالکتب الاسلامیة.
۱۳. بصری، احمد بن اسماعیل (۱۳۹۴). *جواب المنیر*، بی جا، انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام.
۱۴. جامی، عبدالرحمن (بی تا). *تفحات الانس من حضرات القدس*، تهران، چاپ کتابفروشی محمودی.
۱۵. جعفریان، رسول (۱۳۹۳). *مهدیان دروغین*، تهران، نشر علم.
۱۶. جیمز دامستر (۱۳۱۷). *مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم*، مترجم: محسن جهانسوز، تهران، کتابفروشی ادب.
۱۷. حجامی، حسین (بی تا). *به سوی انحراف*، قم، پژوهشکده آینده پژوهی و مهدویت.
۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵). *شناخت بررسی و نقد کلامی جریان های انحرافی مهدویت*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۹. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من الجواهر القاموس*، تصحیح: علی هلالی، و علی سیری، بیروت، دارالفکر.
۲۰. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۱ق). *اجوبه المسائل المهنائیة*، تهران، خیام.

۲۱. حنفی، محمد بن عباس (۱۴۰۴ق). *بدائع الزهور فی وقائع الدهور*، قاهره، دارالاحیاء الکتب العربیه.
۲۲. خان محمدی، کریم و انواری، محمدرضا (بهار ۱۳۹۱). «چاه عریضه جمکران از خرافه تا واقعیت» فصلنامه علمی پژوهشی شیعه شناسی، قم، شماره ۳۷.
۲۳. خندان، علی اصغر (۱۳۸۴). *مغالطات*، قم، بوستان کتاب.
۲۴. خویی، سید ابو القاسم موسوی (۱۴۱۸ق) *موسوعة الإمام الخوئی*، قم، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی.
۲۵. دادستانی ویژه روحانیت، بازخوانی پرونده انحرافات آقای ن - م.
۲۶. \_\_\_\_\_ ن - ز.
۲۷. \_\_\_\_\_ حسینی کاظمینی بروجردی.
۲۸. دانیالی، محمد جواد (بهار ۱۳۹۰). «اعتبار سنجی استخاره با قرآن»، فصلنامه علمی - تخصصی فقه، قم، شماره ۶۷.
۲۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا*، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
۳۰. دیواری، عبدالرزاق (۱۴۲۱ق). *سید احمد الحسن همان حق آشکار است*، بی جا، انتشارات انصار المهدی.
۳۱. سیالکوتی، نظیر احمد (بی تا). *القول الصریح فی ظهور المهدی و المسیح*، اسلام آباد، انتشارات احمدیه.
۳۲. سید نژاد، صادق (۱۳۷۹). *عریضه نویسی به اهل بیت علیهم السلام و امام زمان*، قم، مسجد مقدس جمکران.
۳۳. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*، محقق: صبحی، صالح، قم، هجرت.
۳۴. شوشتری، قاضی نور الله (۱۳۹۲). *مجالس المومنین*، مصحح: ابراهیم عرب پور و همکاران، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۳۵. شوقی افندی (بی تا). *امر و خلق*، بی جا، موسسه ملی مطبوعات امری.
۳۶. شهبازیان، محمد (۱۳۹۳). *خواب پریشان*، قم، مرکز تخصصی مهدویت.
۳۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶). *ره افسانه*، قم، انتشارات مرکز تخصصی مهدویت.
۳۸. \_\_\_\_\_ (زمستان ۱۳۹۱). «نقد و بررسی بهره گیری از استخاره، معجزه و خواب در ادله مدعی یمانی بصری»، فصلنامه علمی پژوهشی انتظار موعود، قم، شماره ۳۹.
۳۹. شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم (۲۰۰۳م). *الملل و النحل*، بیروت، دارالمکتبه الهلال.
۴۰. صاحب بن عباد، إسماعیل (۱۴۱۴ق). *المحیط فی اللغة*، تصحیح: محمد حسن آل یاسین، بیروت، عالم الکتاب.

۴۱. صالحی، سید عباس (بهار ۱۳۸۸). «سکوت روحانیت در مبارزه با خرافات»، مجله حوزه، شماره ۱۵۱.
۴۲. ضامن بن شدقم حسینی مدنی (۱۳۷۸). *تحفة الازهار فی نسب اولاد الائمه الاطهار*، تصحیح: کامل سلمان الجنوری، تهران، میراث مکتوب کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران.
۴۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). *الغیبه*، تصحیح: عبدالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، دارالمعارف الاسلامیه.
۴۴. \_\_\_\_\_ (بی تا). *فهرست*، نجف، مکتبه مرتضویه.
۴۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱). *رجال*، نجف، انتشارات حیدریه.
۴۶. عرفان، امیر محسن (۱۳۹۲). *قبیله تزویر*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
۴۷. فاضل مازندرانی، اسدالله (بی تا). *ظهور الحق*، تهران، نشر آزرندگان.
۴۸. فایل صوتی سخنرانی شیخ علی اکبر تهرانی در جمع مریدان، موجود در گروه فرق مرکز تخصصی مهدویت.
۴۹. قادیانی، غلام احمد (بی تا). *التبلیغ*، بی جا، بی تا.
۵۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، اسلامیه.
۵۱. کیوانی، مجد الدین (۱۳۸۳). «مدخل ابن تومرت»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی.
۵۲. گیلانی (میرزای قمی)، ابوالقاسم بن محمد (۱۳۷۸). *قوانین الاصول*، تهران، المكتبة العلمية الاسلامية.
۵۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*، بیروت، دارالاحیاء العربی.
۵۴. مرتضی، علی بن الحسین (۱۴۰۵ق). *رسائل الشریف المرتضی*، قم، دارالقرآن الکریم.
۵۵. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵۶. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *الاختصاص*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
۵۷. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *الفصول المختارة*، محقق: علی میر شریفی، قم، کنگره شیخ مفید.
۵۸. المودودی، ابو الاعلی (۱۴۲۱ق). *القادیانی و القادیانیه، دراسات و تحلیل و عرض علمی*، بیروت، دار ابن کثیر.
۵۹. میرسلیم، عبدالامیر (۱۳۸۵). «مدخل استخاره»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی.



۶۰. میرک بن مسعود، محمد (۱۳۸۵). *ریاض الفردوس خانی*، تصحیح: ایرج افشار و فرشته صرافان، تهران، بنیاد موقوفات.
۶۱. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷) *رجال*، انتشارات جامعه مدرس، قم.
۶۲. نوری حسینعلی (الف) (بی تا). *اشراقات*، بی جا، مؤسسه ملی مطبوعات امری.
۶۳. \_\_\_\_\_ (ب) (بی تا). *اقدس*، بی جا، انتشارات امری.
۶۴. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۳۸۴). *نجم الثاقب فی احوال امام غایب*، تحقیق: صادق برزگر، قم، مسجد مقدس جمکران.
۶۵. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۶۶. یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۰۹ق). *العروة الوثقی*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۶۷. یعقوبی، علی (بی تا). *مجموعه سخنرانی‌های نظام عالم*، بی جا، بی تا.
68. <http://ensaaf.blogfa.com>.